



# ت!



یکی از ضعف‌هایی  
ک در فیلم‌های  
جدی داریم این  
است که در آنها  
شاهد معنای  
تئوریک نیستیم.  
همین نبود  
معنای تئوریک در  
فیلم‌های جدی  
سبب می‌شود تا  
این فیلم‌ها تصویر  
روشن و شفاف  
نداشته باشد

ذائقه مردم تنزل یافته که معتقد  
این گونه نیست و جمله اشتباهی  
است زیرا اگر این جمله، درست  
هم باشد، سینماگران این ذائقه  
را به وجود آورده‌اند. ذائقه از کجا  
تنزل می‌یابد؟ از آنجا که سینماگر  
ما در ساخت فیلم، دچار ادراک  
عوامانه می‌شود.

برای مثال، زنان نمی‌توانند  
استادیوم بروند و این موضوع یک  
مسئله می‌شود و در نهایت فیلم  
آفساید ساخته می‌شود. این همان  
تنزل و ادراک عوامانه است؛ بنابراین  
سینماگر ما باید یک پله فراتر از آن  
چیزی باشد که در جامعه رایج  
است و باید با لنز نظری مسائل را  
مورد توجه قرار دهد.

سینماگر اگر بنیبه نظری داشته  
باشد، کاری که انجام می‌دهد، کار  
مناسبی است. برای مثال کارهایی  
که آقای معتمدی می‌سازد، مبنای  
تئوریک دارد و در همه آنها شاهد  
هستیم یک لنز نظری پشت  
دوربینش است. نتیجه آن می-  
شود که هر مخاطبی با هر سطحی،  
اعم از مردم عام و فرهیخته، وقتی  
فیلم‌های آقای معتمدی یا مشابه  
این چنین فیلم‌هایی را تماشا می-  
کند، نکاتی برایش روشن می‌شود  
که این امر باعث ارتقای ذائقه  
مخاطب می‌شود.

راه برون رفت از این مسأله

چیست؟

باید سینمای ما سینمای مستقلی  
باشد. یک سینمای وابسته، راه  
به جایی نمی‌برد. برای مثال،  
اگر در دنیا موضوع ترنس‌ها مورد  
توجه قرار گرفت و این مسأله  
وارد سینمای کشور به عنوان  
سوزه اصلی شد، سینماگراساساً  
نمی‌تواند با مخاطبش ارتباط  
برقرار کند. او زمانی می‌تواند با  
مخاطبش ارتباط برقرار کند که  
مسائل را بومی ببیند.

شاید موضوعاتی همچون رفتن  
زنان به استادیوم و دیگر مسائل  
سیاه جامعه ایران، در جشنواره‌های  
بین‌المللی مورد توجه قرار بگیرد،  
اما همه این موضوعات، سبب می-  
شود که اساساً ارتباط با مخاطب  
دچار اختلال شود.



## نگاهی به نامه نگاری بازیگر معروف هالیوود به یک ایرانی برنده جایزه صلح نوبل از: آنجلینا جولی، به: نرگس محمدی

ارتباطی نرگس با ندیای خارج از زمان، دریافت  
جایزه نوبل، تشدید شده است. من از طریق  
خانواده اش، سؤالاتی را برای او ارسال کردم و  
قبل از قطع ناگهانی خط، توانستم از طریق  
غیرمستقیم تلفنی، کوتاه با او صحبت کنم. «  
اما این توضیح هم باعث نشد که دروغین  
بودن ماجرا مشخص نشود!»

چقدر معتبر است، میتواند سوزه این مطلب  
باشد. اما علاوه بر آن، در این مجال برآیم تا به  
مصاحبه آنجلینا جولی، بازیگر مطرح هالیوود،  
با نرگس محمدی بپردازیم. مصاحبه‌ای که  
توأم آن به صورت مکتوب و تلفنی انجام شده-  
است؛ با اینکه در متن آنجلینا جولی؛ به این  
نکته اشاره شده است که: «محدودیت‌های

مریم اسدزاده  
نویسنده



مدتی است که خبر نامزدی و سپس اعطای  
جایزه صلح نوبل در رسانه‌های خارجی و داخلی  
شنیده می‌شود. اینکه چقدر نرگس محمدی،  
استحقاق گرفتن این جایزه را دارد و این جایزه



سال ۱۳۹۹ و هنگام آزادی از زندان.



سال ۱۳۹۱ و هنگام ورود به زندان.

دروغ همسر و پدر او رسانه‌های بیگانه نمایان  
شد. تصویر ورود به زندان و هنگام آزادی او، نشان  
دهنده شرایط سخت و شکنجه در زندان نبود!  
این تصاویر و فیلم مصاحبه او پس از آزادی از  
زندان، باعث شد خلاف واقع بودن گزارش پدر  
و همسر محمدی، اثبات شود. او پس از بازگشت  
مجدد به زندان و طبق مشاوره‌هایی که از خارج  
از کشور و شیرین عبادی می‌گرفت در اغتشاشات  
زن، زندگی، آزادی، از درون زندان، بسیار تلاش  
کرد تا نوبلی‌ها را برای دادن جایزه به او متقاعد  
کند. اما هنگام بازی کردن نقش، در نامه نگاری  
با آنجلینا جولی، او مظلوم‌نمایی را به حد اعلی  
رسانده و گفته است، خانواده اش در زمان پهلوی  
از طرفداران دموکراسی و مخالفان استبداد بودند.

اینگونه می‌شود که صدای باسمن پهلوی هم  
درآمد و در اصل ماجرا، تشکیک ایجاد کرده و در  
اینستاگرامش می‌نویسد:

«چگونه به یک زندانی سیاسی اجازه صحبت با  
آنجلینا جولی داده می‌شود، اما او نمی‌تواند اجازه  
گفت‌وگو با پسرش را بگیرد؟ این برای بسیاری از  
ما یک معما است.»

وقتی یادت برود در کدام زمین بازی می‌کنی  
هم خودت از پارادایم خارج می‌شوی  
و هم باعث می‌شوی متحدانت  
دست خود را رو کرده و  
مجبور بشوند علیه ات  
بازی کنند!

سیاسی باشد.  
در شرایط سیاسی امروز، که درگیری‌های نظامی،  
گزینه‌های پرهزینه‌ای در جهان هستند، باید  
راهکاری برای محکوم کردن دشمنان بی‌بایی و  
یکی از این راه‌ها برای مبارزه با ایران قدرتمند در  
مسائل علمی و نظامی، محکوم کردن آن و تشدید  
تحریم‌ها به انحای مختلف است.

در این راستا، سیاستگذاران جایزه صلح نوبل را  
مانند ۲۰ سال قبل، به یک زن ایرانی دادند. زنی  
که سابقه سال‌ها دشمنی با نظام مقدس ایران  
را داشته و در کنار همسر روزنامه نگار خود، یعنی  
تقی رحمانی که اکنون فراری است و در پاریس  
زندگی می‌کند! علیه و طشش، حتی با داعش  
هم دست دوستی داده است!

نرگس محمدی که به خاطر فعالیت‌هایش  
علیه نظام، پس از انتخابات سال ۱۳۸۸، چند  
بار محاکمه شد در نهایت، از اردیبهشت ماه  
۱۳۹۱ محکومیت ۱۱ ساله اش در زندان به اجرا  
درآمد.

به گزارش بی بی سی: «نرگس محمدی در دی  
۱۳۹۸ از زندان اوین، به زندان زنجان منتقل  
شد، تقی رحمانی، همسر او، در این باره گفت  
که محمدی پیش از انتقال، بابت مقاومت در  
برابر انتقالش، از سوی مأموران مورد ضرب و  
شتم شدید قرار گرفته است.»

به گزارش صدای آمریکا: در ۷ مهر ۱۳۹۹  
کریم محمدی، پدر محمدی، با انتشار  
رنجنامه‌ای از مقامات جمهوری اسلامی  
خواست تا دست از آزار و اذیت دخترش  
بردارند. او با اشاره به ضرب و شتم او  
گفت: «با دیدن کبودی‌های بدنش  
در اتاق ملاقات، به عصایم تکیه دادم  
و سه بار خدایم را صدا کردم.»

به گزارش دویچه وله و بی بی سی:  
محمدی در تاریخ ۱۷ مهر ۱۳۹۹، پس از  
پنج و نیم سال حبس مداوم، از زندان  
آزاد شد.  
اما پس از آزادی،

جایزه نوبل، براساس وصیتنامه آلفرد نوبل،  
مخترع دینامیت و شیمی‌دان، مبتکر و اسلحه  
ساز سوئدی که در سال ۱۸۹۵ تنظیم شده است،  
به افرادی که در زمینه‌های مشخصی پیش‌تاز  
بوده‌اند، اهدا می‌شود. در حال حاضر، حوزه  
های اصلی جایزه نوبل، به این شرح است:  
ادبیات، شیمی، فیزیک، پزشکی، اقتصاد و جایزه  
صلح نوبل است. البته بیشترین شهرت این  
جایزه، برای بخش جایزه صلح نوبل است که  
هر ساله، با حواشی متعددی روبه‌رو می‌شود و  
سأله‌است که برای همگان ثابت شده، که جوایز  
این بخش، کاملاً سیاسی است.

شایان توجه است که کمیته نوبل نروژ، متولی  
بخش جایزه صلح است و الباقی بخش‌ها،  
توسط ارگان‌هایی در کشور سوئد برگزار می‌شود.  
اینکه چرا این جایزه، همواره با حواشی روبه‌رو  
بوده است، را باید از جایزه نگر فتن ماهاتما گاندی  
تا تقدیم جایزه به شیمون پرز، رئیس‌جمهور و  
اسحاق رابین، نخست‌وزیر اسبق رژیم اشغالگر  
اسرائیل، در بابیم که البته مصدافی مشهور است  
و مصداف ق فراوان در این زمینه در رشته‌های  
مختلف هم وجود دارد که خارج از بحث ماست  
که درباره جایزه صلح نوبل است... مورد دیگر،  
دادن توأم آن این جایزه، به هنری کیسینجر،  
سناتور جنگ افروز آمریکایی و له دوک تو، ارتشبد  
انقلابی اهل ویتنام، در سال ۱۹۷۳ است، که  
البته له دوک تو، این جایزه را نپذیرفت. او اولین  
آسیایی بود که به عنوان منتخبا جایزه نوبل،  
اعلام می‌شد. در ادامه و در سال ۱۹۷۹ این جایزه  
به امام خمینی (ره)، بنیانگذار جمهوری اسلامی  
ایران، تعلق گرفت و به مادر ترزا، اهدا شد،  
در صورتی که سال قبل، به دونفر به صورت  
مشترک؛ یعنی مناخیم بگین، نخست‌وزیر رژیم  
غاصب قدس و انور سادات، اهدا شد. با این  
تقاسیر، مشخص است که جایزه صلح نوبل،  
بسته به مصالح روز ابرقدرت‌ها، اهدا می‌شود.  
این موارد، باعث شده است که نزد فرهیختگان  
دنیا، جایزه صلح نوبل، جایزه‌ای بی اعتبار و

